

بررسی اثر نوع حسابرس بر مربوط بودن ارزش سود حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

مهدی مرادزاده فرد^۱

قادر رحمن نژاد^۲

تاریخ پذیرش: ۹۰/۴/۱

تاریخ دریافت: ۹۰/۱/۱۴

چکیده

مربوط بودن ارزش^۱ به توانایی ارقام حسابداری بر بازده و قیمت سهام شرکت‌ها گفته می‌شود. هدف این پژوهش بررسی اثر نوع حسابرس^۲ بر مربوط بودن ارزش سود حسابداری^۳ در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران^۴ می‌باشد. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، مدل‌های مبتنی بر شاخص مربوط بودن ارزش تعریف شده است. نمونه آماری این پژوهش شامل ۶۸ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی سالهای ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۸ انتخاب شده است. روش آماری مورد استفاده برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، روش «داده‌های مقطعی»^۵ بوده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که شرکت‌های که توسط مؤسسات حسابرسی کوچک رسیدگی می‌شوند رقم سود حسابداری آنها مربوط تر است یعنی گزارش حسابرسی شرکت‌های که توسط مؤسسات حسابرسی بزرگ رسیدگی می‌شوند نسبت به مؤسسات حسابرسی کوچک ارقام سود حسابداری آنها مربوط تر است. پیشنهاد شده است که از طریق بررسی همپیشگان و اجرای نظام راهبری شرکت‌ها، نظارت بیشتری بر مؤسسات حسابرسی اعمال شود تا از این طریق کیفیت گزارش‌های حسابرسی بهبود یابد.

واژه‌های کلیدی: نوع حسابرس، مربوط بودن ارزش، سود حسابداری، بورس اوراق بهادار تهران.

۱- استادیار حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج (نویسنده مسئول) moradzadehfard@kiauo.ac.ir

۲- کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران q_rahmanezhad@yahoo.com

۱- مقدمه

گسترش روز افزون جوامع و پیچیدگی معاملات و مبادلات تجاری در بازارهای سرمایه از یک سو و تضاد منافع موجود بین دو گروه تهیه کننده و استفاده کننده اطلاعات از سوی دیگر سبب شده است تا ضرورت انتخاب حسابرسان مستقل به منظور نظارت و اعتبار بخشیدن به اطلاعات مالی آشکار گردد.

سوابق زیادی در مورد مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری وجود دارد. مربوط بودن ارزش به توانایی انعکاس ارقام حسابداری که بر ارزش شرکت‌ها تاثیر دارند، تعریف شده است. مربوط بودن ارزش از دیدگاه سنتی مترادف با همبستگی زیاد با اطلاعات بازار می‌باشد، بیشتر اطلاعات حسابداری با قیمت یا بازده بازار ارتباط دارند، مربوط بودن ارزش با این دیدگاه مطرح شده است (raffournier & filip, 2010).

حرفه حسابرسی نقش موثری در بهبود سیستم اطلاعاتی و ایجاد اطمینان از معتبر بودن گزارشات مالی هر کشور دارد. با افزایش شمار استفاده‌کنندگان از گزارش حسابرسی^۷، به عنوان مشتریان این کالای عمومی، باعث شده تا کیفیت کار حسابرسان مورد توجه و دقت قرار گیرد. کیفیت کار حسابرسان و اظهار نظر آنها، می‌تواند باعث بهبود سیستم اطلاعات مالی کشور و در نهایت تصمیم‌گیری بهینه اقتصادی شود. بنابراین، بررسی عوامل مؤثر بر کیفیت کار حسابرسان ضروری است (چرمی، ۱۳۸۵).

در سالهای اخیر با شکل‌گیری جامعه حسابداران رسمی^۸، بخشی از فعالیت‌های سازمان حسابرسی به مؤسسات خصوصی عضو آن جامعه محول شده است. از طرفی دیگر نتایج تحقیقات گذشته نظیر تحقیقات درباره کیفیت سود و شاخص مدیریت سود^۹ حکایت از کاهش کیفیت گزارشگری مالی دارد و یکی از دلایل کاهش کیفیت گزارشگری مالی^{۱۰} می

تواند نوع حسابرسی باشد، لذا این سوال برای محقق پیش می‌آید تا چه اندازه شرکت‌های که توسط مؤسسات حسابرسی بزرگ^{۱۱}، رسیدگی می‌شوند رقم سود حسابداری آنها مربوط تر است؟ نوع گزارش حسابرسی چه تاثیر می‌تواند بر روی رقم سود حسابداری داشته باشد؟ لذا این تحقیق سعی دارد تا جنبه دیگر کیفیت گزارشگری که از طریق مربوط بودن ارزش سود حسابداری اندازه‌گیری می‌شود این موضوع را مورد بررسی قرار دهد.

۲- مبانی نظری و پیشینه تحقیق

چرمی (۱۳۸۵)، در تحقیقی عوامل موثر بر نوع اظهار نظر حسابرسی را در ایران مورد بررسی قرار داده است که نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ارتباطی بین اظهار نظر حسابرسی و مدیریت شرکت وجود ندارد اما ارتباط میان اظهار نظر حسابرسی با اندازه واحد مورد رسیدگی معنی دار می‌باشد. ثقفی و تالانه (۱۳۸۵)، با بررسی نقش سود، ارزش دفتری و اختیار واگذاری در ارزشیابی حق مالکانه در طی سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۸۳ نشان دادند که رابطه بین قیمت و متغیرهای سود و ارزش دفتری به صورت مجزا و ترکیبی برای وضعیت‌های سود و زیانی متفاوت است، بدین صورت که ضریب متغیر سود در وضعیت‌های زیانی کوچکتر از وضعیت‌های سودی و بالعکس است. سعیدی (۱۳۸۶)، در تحقیق توان پیش‌بینی‌کنندگی ارزش دفتری، سود خالص، گردش وجوه نقد عملیاتی و سرمایه‌گذاری به عنوان نماینده اطلاعات حسابداری در رابطه با ارزش بازار شرکت‌ها را مورد بررسی قرار داده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که ارزش دفتری و سود حسابداری اقلامی مربوط تر هستند و وارد نمودن گردش وجوه نقد (عملیاتی و سرمایه‌گذاری) در قدرت توضیح‌دهندگی مدل‌ها افزایش معنی‌داری ایجاد نمی‌کند.

شرکت را به عهده داشته باشد. آیرلند (۲۰۰۳)، عنوان کرد که شرکت های که حسابرسان big6 را انتخاب نموده اند، در مقایسه با سایر شرکت ها، به احتمال کمتری گزارش حسابرسی تعدیل شده دریافت می کنند. اما این به این معنا نیست که کیفیت کار حسابرسان big6 کمتر از سایر حسابرسان است بلکه به این خاطر است که شرکت های که حسابرسان big6 را انتخاب می کنند، از ویژگی های مشاهده شده، مانند صداقت بالای مدیران و کیفیت سیستم های حسابداری، برخوردار هستند. ام بی و دیوید سون (۱۹۹۸)، هودیپ و کوک (۲۰۰۵) به این نتیجه رسیدند که مؤسسات حسابرسی با اندازه های مختلف، هنگام تصمیم گیری در شرایط تضاد (با مدیریت)، اختلاف معناداری با یکدیگر ندارند. جال (۱۹۸۱) و باریزار (۲۰۰۵)، به این نتیجه رسیدند که مؤسسات حسابرسی بزرگ در مقایسه با مؤسسات کوچکتر، توانایی بیشتری برای ایستادگی در برابر فشار های مدیریت دارند. تحقیق توسط هلستروم (۲۰۰۶)، صورت گرفت که نتایج تحقیقات آنها نشان می داد که اطلاعات حسابداری در چک و اسلوواکی نسبت به سوئد مربوط بودن ارزش حسابداری کمتری را نشان می دهد. دوبیجا و کلیم ژاک (۲۰۰۷)، نشان داد که مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری به مرور زمان در اثر توسعه بازار سرمایه افزایش یافته است. این نتایج تایید می کند که سود حسابداری عامل مهمی برای ارزیابی سهام در بورس اوراق بهادار می باشد. لاورل فرانزین و سورش رادهاکریشنن (۲۰۰۹)، در تحقیقی سود و زیان مخارج تحقیق و توسعه را بر مربوط بودن ارزش مورد بررسی قرار دادند. آنها با استفاده از مدل ارزشیابی سود باقی، دریافتند که مخارج تحقیق و توسعه به طور مثبت (منفی) بر قیمت های سهام و سود (زیان) شرکت ها اثر دارد. نتایج نشان می دهد که نقش اطلاعات

سعیدی و قادری (۱۳۸۶)، با انجام پژوهشی طی سالهای ۱۳۸۴-۱۳۸۰ نشان دادند که ارزش دفتری و سود حسابداری نسبت به گردش وجوه نقد عملیاتی و سرمایه گذاری دارای قدرت توضیحی بیشتری در تعیین ارزش شرکت ها هستند و هم چنین قدرت توضیحی ارزش دفتری به تنهایی بالاتر از قدرت توضیحی سود حسابداری در تعیین ارزش شرکت ها است.

دی آنجلو (۱۹۸۱)، در مقاله ای با عنوان "اندازه حسابرسی و کیفیت حسابرسی" نتیجه گیری کرد که مؤسسات حسابرسی بزرگتر، کیفیت حسابرسی بالاتری دارند زیرا آنها تمایل به حفظ شهرتشان دارند. همچنین، مؤسسات حسابرسی بزرگ دارای مشتریان زیادی هستند و تحت تأثیر از دست دادن مشتری قرار نمی گیرند. لاسال و همکاران (۱۹۹۶)، نیز دریافتند که مؤسسات حسابرسی کوچکتر، در مقایسه با شرکت های big6 در برخورد با صاحبکاران خود با گذشت تر عمل می کنند. لویز (۲۰۰۱)، به این نتیجه رسید که ویژگی مربوط بودن ارقام حسابداری در مورد شرکت هایی که در صنایع جدید مثل مخابرات و ارتباطات راه دور فعالیت می کنند، به مراتب بیشتر از ویژگی مربوط بودن در مورد شرکت های با قدمت بیشتر (شیمیایی و غذایی) است. کاس ول و همکاران (۲۰۰۲)، معتقدند که مؤسسات حسابرسی کوچک، به احتمال زیاد گزارش خود را تعدیل می کنند و به این خاطر که ظرفیت مؤسسات حسابرسی بزرگ برای کشف اشتباهات و تقلب ها را ندارند از تعدیل به عنوان یک استراتژی محافظه کارانه برای جبران این کمبود ظرفیت استفاده می کنند اسپاتیس (۲۰۰۳)، در بررسی تعدیل گزارش حسابرسی برای شرکت های کوچک نشان دادند، احتمال اینکه یک شرکت گزارش حسابرس تعدیل شده دریافت کند، افزایش می یابد به شرط اینکه موسسه حسابرسی بزرگ، حسابرسی

جامعه است. می‌توان آن را در زمره تحقیقات استقرایی قلمداد نمود.

۴-۱. متغیرهای تحقیق

متغیرهای مستقل این پژوهش عبارتند از:

- ۱) نوع مؤسسات حسابرسی، که به با توجه به درآمد سالیانه آنها به مؤسسات حسابرسی بزرگ و کوچک تقسیم می‌شوند.
 - ۲) نوع گزارش مؤسسات حسابرسی، که به گزارش مقبول و غیر مقبول تقسیم می‌گردد.
- شاخص مربوط بودن ارزش به عنوان متغیر وابسته مورد آزمون قرار گرفته است.

۴-۲. جامعه و نمونه آماری

از کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به عنوان جامعه آماری تعداد ۶۸ شرکت فعال در سالهای ۸۱ الی ۸۸ با داشتن شرایط زیر به عنوان نمونه آماری پژوهش انتخاب شده است:

- ۱) تا پایان اسفند ماه سال ۱۳۸۱ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشد.
- ۲) سال مالی آن منتهی به پایان اسفند ماه باشد.
- ۳) شرکت مورد نظر طی دوره تحقیق فعالیت مستمر داشته و سهام آن مورد معامله قرار گرفته باشد.
- ۴) شرکت‌ها نبایستی سال مالی خود را در طی دوره‌های مورد نظر تغییر داده باشند.
- ۵) شرکت‌ها نباید در طی دوره‌های مورد نظر توقف فعالیت داشته باشند.
- ۶) اطلاعات مالی مورد نیاز برای انجام این تحقیق را در دوره زمانی ۱۳۸۱ الی ۱۳۸۸ به طور کامل ارائه کرده باشد.
- ۷) جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری و مالی نباشد.

مخارج تحقیق و توسعه در ارزشیابی سود یا زیان شرکت‌ها سودمند است. اندری فلیپ و برنارد رافورنیر (۲۰۱۰)، مربوط بودن حسابداری را در بورس اوراق بهادار بخارست مورد بررسی قرار داده‌اند و در این تحقیق نشان می‌دهند که بین سود حسابداری و بازده سهام، برای اوراق بهادار مربوط به شرکت‌های کوچک در مقایسه با بازارهای کارآمد، ارتباط بیشتری وجود دارد و با حذف زیان‌ها از تجزیه و تحلیل مربوط بودن ارزش سود حسابداری افزایش می‌یابد و ماهیت ناپایدار سود منفی را تایید می‌کنند. همچنین ضریب رگرسیونی تغییرات سود، منفی می‌باشد و دلیل آنرا ناکارآمدی بازار سرمایه عنوان کرده است.

۳. فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اول: شرکت‌هایی که توسط مؤسسات حسابرسی بزرگ، رسیدگی می‌شوند، رقم سود حسابداری آنها مربوط تر است.

فرضیه دوم: در گزارش حسابرسی شرکت‌های که توسط مؤسسات حسابرسی بزرگ رسیدگی می‌شوند، ارقام حسابداری مربوط تر هستند.

۴. روش شناسی تحقیق

پژوهش حاضر در پی یافتن پاسخی به بررسی این سؤالات است که: نوع حسابرسی چه تاثیری می‌تواند بر مربوط بودن ارزش سود حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران داشته باشد؟ بنابراین، این پژوهش کاربردی است و روش آن توصیفی و طرح پژوهش از نوع نیمه تجربی و با استفاده از رویکرد پس رویدادی است. از آنجا که این پژوهش با آزمون اجزاء جامعه مورد بررسی در صدد کشف قوانین کلی حاکم بر

۳-۴. روش گردآوری داده ها

در این پژوهش برای جمع آوری داده ها و اطلاعات، ابتدا از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. در بخش کتابخانه‌ای، مبانی نظری پژوهش از کتب و مجلات تخصصی فارسی و لاتین گردآوری گردید و سپس داده‌های پژوهش از طریق جمع آوری داده‌های شرکت‌های منتخب با مراجعه به صورت های مالی، یادداشت‌های توضیحی، گزارش های هفتگی و ماهنامه بورس اوراق بهادار و با استفاده از نرم افزار های دنا سهم، صحرا و تدبیر پرداز انجام گردید. برای پردازش اطلاعات از نرم افزار Excel و SPSS استفاده شده است.

۴-۴. روش تجزیه و تحلیل داده ها

در این روش با توجه به نوع داده ها و روش تجزیه و تحلیل آماری موجود، از روش داده های مقطعی استفاده شد. زیرا به منظور بررسی اثر نوع حسابرس و شاخص مربوط بودن ارزش سود حسابداری، متغیر های مستقل و وابسته از دو جنبه متفاوت مورد بررسی قرار می گیرند. از یک سو، این متغیر ها در میان شرکت های مختلف و از سوی دیگر، در دوره زمانی ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۸ آزمون می شوند. برای آزمون فرضیه های پژوهش بر اساس دو مدل ارزش بازار و بازده از مدل های اصلی زیر استفاده شده است (Raffournier, 2010).

$$MV_{jt} = \alpha_0 + \alpha_1 BV_{jt} + \varepsilon_{jt}$$

که

MV_{jt} : کل ارزش بازار سهام شرکت ز در پایان سال t

BV_{jt} : ارزش دفتری شرکت ز در پایان سال t

$$R_{jt} = \alpha_0 + \alpha_1 E_{jt}/P_{jt-1} + \varepsilon_{jt}$$

با

R_{jt} : بازده بازار شرکت ز در سال t ؛

E_{jt} : سود شرکت ز در سال t

ε_{jt} : بیانگر خطای مدل است.

۵. یافته های تحقیق

۵-۱. بررسی نرمال بودن توزیع متغیر وابسته

با استفاده از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف نرمال بودن توزیع دو ضریب تعیین بدست آمده از دو مدل بررسی شده است. سطح معنی داری برای ضریب تعیین مدل R-E/P کمتر از ۰/۰۵ است که نرمال نبوده ولی برای لگاریتم آن نرمال است مقدار سطح معناداری ضریب تعیین MV-BV بیشتر از ۰/۰۵ است. یعنی داده‌ها برای آن از توزیع نرمال پیروی می کند.

۵-۲. نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول

با توجه به نگاره (۱)، میانگین مربوط بودن ارزش برای شرکت ها با نوع مؤسسات کوچک بالاتر از مقدار میانگین برای شرکت ها با نوع مؤسسات بزرگ است.

نگاره ۱

ضریب تعیین تعدیل شده	نوع مؤسسه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	میانگین خطای برآورد
ضریب تعیین تعدیل شده مدل (MV-BV)	کوچک	152	0/24444	0/358520	0/02908
	بزرگ	323	0/17109	0/327462	0/18220
لگاریتم ضریب تعیین تعدیل شده مدل (R-E/P)	کوچک	152	-2/4672	1/68377	0/13657
	بزرگ	323	-2/8269	2/05960	0/11460

نگاره ۲

آزمون t جهت برابری میانگین ها		آزمون لون جهت برابری واریانس		برابری یا عدم برابری واریانس	
سطح معنی داری	درجه آزادی	T	سطح معنی داری		
0/028	473	2/208	0/036	4/434	ضریب تعیین تعدیل شده مدل (MV-BV)
0/033	273/1	2/137			
0/061	473	1/878	0/107	2/615	لگاریتم ضریب تعیین تعدیل شده مدل (R-E/P)
0/044	355/8	2/018			عدم برابری واریانس

نگاره ۳

انحراف معیار	میانگین	تعداد	نوع گزارش	ضریب تعیین تعدیل شده
0/325512	0/163	326	غیر مقبول	ضریب تعیین تعدیل شده (MV-BV)
0/36011	0/257	149	مقبول	
1/96179	-2/843	326	غیر مقبول	ضریب تعیین تعدیل شده (R-E/P)
1/93072	-2/418	149	مقبول	

ارتباط با اکثر پژوهش های دیگر مطابقت دارد ولی با برخی نتایج پژوهش های دیگر، متفاوت است. دلیل این امر ناشی از فرضیه هزینه های سیاسی، تحقیقات اثباتی حسابداری می باشد شرکت های که از نظر سیاسی در کانون توجه هستند از رویه های حسابداری استفاده می کنند که سود را کمتر نشان دهند (بنی مهد و نیکو مرام، ۱۳۸۸) و این باعث می شود که مربوط بودن ارزش سود حسابداری شرکت های کوچک نسبت به شرکت های بزرگ بیشتر باشد.

۳-۵. نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم

با توجه به نگاره (۳)، مقدار میانگین شاخص مربوط بودن ارزش برای شرکتها با گزارش مقبول بالاتر از مقدار میانگین برای شرکتها با گزارش غیرمقبول است.

با توجه به نگاره (۲)، مقدار سطح معناداری برای آزمون همسانی واریانس برای ضریب تعیین MV-BV برابر با ۰/۰۳۶ که از مقدار ۰/۰۵ کمتر است یعنی واریانس این متغیر برای دو گروه ناهمسان است و برای لگاریتم ضریب تعیین R-E/P برابر با ۰/۱۰۷ است که از مقدار ۰/۰۵ بیشتر است بنابراین فرض صفر همسانی واریانس در این دو گروه رد نمیشود.

مقدار t برای ضریب تعیین MV-BV برابر با ۲/۱۴ و برای لگاریتم ضریب تعیین R-E/P برابر با ۱/۸۷ است (این مقدار در سطح ۹۰ درصد معنادار است مقادیر بحرانی برای ۹۰ درصد ۱/۶۴ و -۱/۶۴ است) یعنی مقدار میانگین برای شرکتها با نوع مؤسسه کوچک به صورت معناداری بزرگتر از مقدار میانگین شرکتها با نوع مؤسسه بزرگ است و در نتیجه فرضیه اول رد می شود. این نتیجه از نظر وجود

نگاره ۴

آزمون جهت برابری میانگین ها		آزمون لون جهت برابری واریانس			برابری یا عدم برابری واریانس	
سطح معنی داری	درجه آزادی	T	سطح معنی داری	F		
0/005	473	-2/808	0/022	5/277	برابری واریانس	ضریب تعیین تعدیل شده مدل (MV-BV)
0/007	262/5	-2/705			عدم برابری واریانس	
0/028	473	-2/201	0/901	0/016	برابری واریانس	لگاریتم ضریب تعیین تعدیل شده مدل (R-E/P)
0/028	291/1	-2/214			عدم برابری واریانس	

مؤسسات حسابرسی کوچک دارند و کیفیت گزارش حسابرسی آنها نسبت به مؤسسات کوچک بالاتر است ولی مؤسسات حسابرسی کوچک همانند مؤسسات حسابرسی بزرگ شناخته شده نیستند و میزان قرارداد های آنها نسبت به مؤسسات حسابرسی بزرگ کمتر است. به این خاطر مؤسسات حسابرسی کوچک برای بقای خود ممکن است گزارش خود را تعدیل نمایند.

۴-۵. تحلیل داده ها با استفاده از رگرسیون

چندگانه

مدل ارزش بازار به صورت زیر خواهد بود.

$$R_{MV-BV} = \beta_0 + \beta_1 D_{1t} + \beta_2 D_{2t} + \epsilon_{it}$$

H₀ : مدل معنی داری وجود ندارد.

H₁ : مدل معنی داری وجود دارد.

در جدول ۵ نتایج تحلیل رگرسیونی آورده شده است:

با توجه به نگار(۴)، مقدار سطح معناداری برای آزمون همسانی واریانس برای ضریب تعیین MV-BV برابر با ۰/۰۲۲ که از مقدار ۰/۰۵ کمتر است یعنی واریانس این متغیر برای دو گروه ناهمسان است و برای لگاریتم ضریب تعیین R-E/P برابر با ۰/۹۰۱ است که از مقدار ۰/۰۵ بیشتر است و فرض صفر همسانی واریانس در این دو گروه رد نمیشود. بنابراین تحت ناهمسانی واریانس برای ضریب تعیین MV-BV و تحت واریانس لگاریتم ضریب تعیین R-E/P برای آزمون t انجام میگردد.

مقدار t برای ضریب تعیین MV-BV برابر با ۲/۷- و برای لگاریتم ضریب تعیین R-E/P برابر با ۲/۲- است، یعنی مقدار میانگین برای شرکتها با گزارش مقبول به صورت معناداری بزرگتر از مقدار میانگین شرکتها با گزارش نامقبول است. در نتیجه فرض دوم تایید می شود. این نتیجه با اکثر پژوهش ها مانند باریزرا، آیرلند، فاروجیا و همکاران، هودیپ کوک مطابقت دارد.

دلایل آن می تواند این باشد که مؤسسات حسابرسی بزرگ هم دارای سابقه کار حرفه ای و هم از نظر مالی در وضعیت بهتری نسبت به مؤسسات حسابرسی کوچک هستند. مؤسسات حسابرسی بزرگ به خاطر اعتباری که در بین جامعه دارند به خاطر حفظ شهرتشان استقلال رأی بیشتری نسبت به

نگاره ۵

مدل	حداقل مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معنی داری
رگرسیون	1/479	2	0/74	6/574	0/002
باقی مانده ها	52/876	470	0/113		
کل	54/355	472			

نگاره ۶

مدل	R	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای معیار برآورد
1	0/165	0/027	0/023	0/335413

نگاره ۷

سطح معنی داری	t	ضریب استاندارد شده		ضریب غیر استاندارد شده	مدل	
		بتا	خطای معیار		B	ثابت
	7/513		0/029	0/216	1	نوع گزارش نوع موسسه
0/004	2/913	0/133	0/033	0/097		
0/02	-2/341	-0/107	0/033	-0/078		

بنابراین رابطه ای مستقیم بین نوع گزارش و متغیر وابسته وجود دارد. (یعنی نوع گزارش مقبول سبب افزایش مربوط بودن ارزش میشود) و رابطه ای معکوس و منفی بین نوع موسسه و متغیر وابسته وجود دارد. (یعنی موسسه بزرگ باعث کاهش مربوط بودن ارزش میشود) مدل بازده به صورت زیر خواهد بود.

$$R_{R-E/P}^2 = \beta_0 + \beta_1 D_{lit} + \beta_2 D_{lit} + \epsilon_{it}$$

فرض صفر و فرض مقابل برای معنی داری مدل به صورت زیر است.

$$H_0: \text{مدل معنی داری ندارد}$$

$$H_1: \text{مدل معنی داری دارد.}$$

در جدول ۸ نتایج تحلیل رگرسیونی آورده شده است:

با توجه به نگاره (۵)، مقدار احتمال (یا سطح معنی داری) F برابر با ۰/۰۰۲ است. چون این مقدار کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود. یعنی مدل معنی داری وجود دارد.

با توجه به نگاره (۶)، میزان ضریب تعیین یا برابر با ۰/۰۲۷ است. یعنی ۲/۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل بیان می گردد. این مقدار ضریب تعیین به لحاظ نظری مقدار آن خیلی بالا نیست.

با توجه به نگاره (۷) مدل به صورت زیر نوشته میشود.

$$R_{R-E/P}^2 = 0/216 + 0/097D_{lit} - 0/078D_{lit}$$

نگاره ۸

مدل	حداقل مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معنی داری
رگرسیون	33/03	2	16/52	4/405	0/013
باقی مانده ها	1761/905	470	3/749		
کل	1794/935	472			

نگاره ۹

مدل	R	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای معیار برآورد
2	0/136	0/018	0/014	1/93616

نگاره ۱۰

سطح معنی داری	T	ضریب استاندارد شده		مدل
		خطای معیار	بنا	
0	-15/51	0/166		ثابت
0/023	2/286	0/192	0/105	نوع گزارش
0/042	-2/036	0/191	-0/093	نوع موسسه

بنابراین رابطه ای مستقیم بین نوع گزارش و لگاریتم متغیر وابسته وجود دارد. (یعنی نوع گزارش مقبول سبب افزایش مربوط بودن ارزش میشود) و رابطه ای معکوس و منفی بین نوع موسسه و لگاریتم متغیر وابسته وجود دارد. (یعنی موسسه بزرگ باعث کاهش مربوط بودن ارزش میشود)

۶. نتیجه گیری و بحث

در این پژوهش اثر نوع حسابرس بر مربوط بودن ارزش سود حسابداری در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در یک دوره ۸ ساله مورد آزمون قرار گرفته است. این پژوهش از آن منظر دارای اهمیت است که در ایران، تحقیقات اندکی پیرامون اثر نوع حسابرس بر مربوط بودن ارزش سود

با توجه به نگاره (۸)، مقدار احتمال (یا سطح معنی داری) F برابر با ۰/۰۱۳ است. چون این مقدار کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود. یعنی مدل معنی داری وجود دارد.

با توجه به نگاره (۹) میزان ضریب تعیین یا برابر با ۰/۰۱۸ است. یعنی ۱/۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل بیان می گردد.

با توجه به نگاره (۱۰) مقدار t، برای نوع گزارش برابر با ۲/۲۹ و برای نوع موسسه برابر با -۲/۰۴ است بنابراین هر دو متغیر در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادارند. مقدار t، برای عرض از مبدا برابر با -۱۵/۵۱ است که حاکی از رد فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد برای عرض از مبدا است. بنابراین مدل به صورت زیر نوشته میشود.

خصوص اعمال رسیدگی های موازی با بررسی های حسابرسی انجام شده اقدامات لازم را انجام دهند که ضمن تقویت اثر بخشی نظارت بورس و شرکت های مربوطه، ارتباط حرفه ای بیشتری نیز با حسابرس مستقل داشته باشند.

با عنایت به نتایج این پژوهش، پیشنهادات زیر قابل ارائه است:

- بررسی اثر افشای اطلاعات داوطلبانه بر مربوط بودن ارزش سود حسابداری
- بررسی اثر افشاء و ارائه صورت ارزش افزوده بر مربوط بودن ارزش سود حسابداری
- بررسی اثر افشای اطلاعات زیست محیطی بر مربوط بودن ارزش سود حسابداری

یادداشت‌ها

1. Value relevance
2. Audit type
3. Accounting earning
4. Tehran exchange stock
5. Cross sectional
6. Small auditing institutions
7. Auditing reporting's
8. Society of Certificated public accountant
9. Earning managements
10. Financial reporting quality
11. Big auditing institutions

فهرست منابع

- (۱) بنی مهد، بهمن و نیکومرام، هاشم (۱۳۸۸). تئوری حسابداری (مقدمه ای بر تئوری های توصیفی). تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- (۲) تالانه، عبدالرضا و ثقفی، علی. (۱۳۸۵). نقش سود، ارزش دفتری و اختیار واگذاری در ارزشیابی حق مالکانه در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. بررسی های حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۲، ۳-۱۹.

حسابداری صورت گرفته است. بطور کلی نتایج پژوهش، حاکی از آن است که شرکت هایی که توسط مؤسسات حسابرسی کوچک رسیدگی می شوند، رقم سود حسابداری آنها مربوط تر است. و این با فرضیه هزینه های سیاسی، تحقیقات اثباتی حسابداری منطبق است. زیرا شرکت های بزرگ برای اینکه در کانون توجه نباشد رقم سود حسابداری را دستکاری می کنند در نتیجه از مربوط بودن ارزش سود آنها کاسته می شود. پیشنهادی که در این باب می توان داد بیشتر جنبه اخلاقی دارد. شرکت ها باید از مدیریت سود اجتناب نمایند و دستگاه های نظارت و کنترل بر مدیریت سود و حسابرسی آن اهتمام بیشتر ورزیده و تلاش نمایند از آن جلوگیری نمایند.

همچنین در گزارش حسابرسی شرکت هایی که توسط مؤسسات حسابرسی بزرگ رسیدگی می شوند ارقام سود حسابداری مربوط تر هستند. دلایل آن می تواند این باشد که مؤسسات حسابرسی بزرگ به خاطر اعتبار و شهرتی که در بین جامعه دارند استقلال رأی بیشتری نسبت به مؤسسات حسابرسی کوچک دارند و کیفیت گزارش حسابرسی آنها نیز نسبت به مؤسسات حسابرسی کوچک بالاتر است، اما مؤسسات حسابرسی کوچک همانند مؤسسات حسابرسی بزرگ شناخته شده نیستند و میزان قرارداد های آنها نسبت به مؤسسات حسابرسی بزرگ کمتر است. به این خاطر کیفیت گزارش مؤسسات حسابرسی کوچک نسبت به مؤسسات حسابرسی بزرگ پایین است. بنابراین جامعه حسابداران رسمی بهتر است از طریق بررسی همپیشگان و اجرای نظام راهبری روی مؤسسات حسابرسی نظارت بیشتری اعمال نمایند تا بتوانند کیفیت گزارش حسابرسی را بهبود دهند. پیشنهاد می شود که سازمان بورس اوراق بهادار در راستای اعمال کنترل های کارآمد نسبت به ایجاد کمیسیون های تجزیه و تحلیل مالی در

- 11) Barizah, N. A. (2005). factors influencing auditor independence: malaysian loan officers, perception, managerial auditing. malaysian: officers, perception, managerial auditing and tiny journal .
 - 12) Beatty, R. (the accounting review). auditor reportation and the pricing of initial public offering (Vol. 64).
 - 13) Chatfield, M., & vongermeersch, n. (1996). The History of Accounting: An International Encyclopedia. New York: Garland Publication. 237.
 - 14) Craswell, Stockes, & Loughton. (2002). auditor and fee dependence. journal of accounting and economics , 33, 253-275.
 - 15) DeAngelo, I. (1981). Auditor Size and Audit Quality. Journal of Accounting and Economics, , 183-199.
 - 16) Dobija, d., & Klimczak, K. (2007). value relevance and development of accounting regulation and institution in a transition economy: case of poland. kozminski business school .
 - 17) Emby, D. (1998). the effects of engagement factors on auditor independence. journal of international accounting .
 - 18) Farragia, & Cehino, B. (2005). qualified audit opinions in malta. management auditing journal , 20.
 - 19) Habib, A., & Weil, S. (2008). The impact of regulatory reform on the value-relevance of accounting information: Evidence from the 1993 regulatory reforms in New Zealand. Advances in Accounting, incorporating Advances in International Accounting , 227-236.
 - 20) Hellstrom, K. (2006). the value relevance of financial accounting information in a transition economy. the european accounting review , 325-349.
 - 21) Hodiab, M. C. (2005). the impact of managing director changes and financial distress on auditing qualification and auditor switching. journal of business finance and accounting .
 - 22) Holthausen, R. W. (2001). The Relevance of the Value Relevance Literature For financial accounting standard setting. Journal of Accounting and Economics , 31-75.
 - 23) Ireland, J. (2003). an empirical investigation of determinants of audit reports in the uk. journal of business finance and accounting , 30 (8).
 - 24) Kothari, S. (2001). Capital markets research in accounting. Journal of
- ۳) حساس یگانه، یحیی. (۱۳۸۸). فلسفه حسابرسی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
 - ۴) خسروی چرمی، بهروز. (۱۳۸۵). بررسی عوامل موثر بر نوع اظهار نظر حسابرس در ایران. تهران: پایان نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی دکتر عباس هشی دانشگاه شهید بهشتی.
 - ۵) سعیدی، علی. (۱۳۸۶). بررسی مربوط بودن سود حسابداری، ارزش دفتری و گردش وجوه نقد عملیاتی و سرمایه گذاری در مدل ارزشیابی مبتنی بر قیمت. بررسی های حسابداری و حسابرسی، شماره ۵۰، ۴۷-۶۴.
 - ۶) کردستانی، غلامرضا. (۱۳۸۶). بررسی رابطه بین ویژگی های کیفی شود و هزینه های سرمایه سهام عادی. بررسی های حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۸، ۸۵-۱۰۴.
 - ۷) نوروش، ایرج، کریمی، غلامرضا. (۱۳۸۳). حسابداری میانه (۱). تهران: کتاب نو.
 - ۸) نیکخواه آزاد، علی و مجتهدزاده، ویدا. (۱۳۷۸). بررسی حوزه های مسئولیت حسابرسان مستقل از دیدگاه استفاده کنندگان خدمات حسابرسی و حسابرس مستقل. بررسی های حسابداری و حسابرسی، شماره ۲۶ و ۲۷، ۵-۷۰.
 - ۹) نیکخواه آزاد، علی. (۱۳۷۹). بیانیه مفاهیم بنیادی حسابرسی. تهران: کمیته تدوین رهنمود های حسابرسی-سازمان حسابرسی. نشریه شماره ۱۲۱.
 - ۱۰) هوشمند، عبدالحمید (۱۳۸۷). بررسی تأثیر استانداردهای ملی حسابرسی بر کیفیت اظهار نظر حسابرسان. شیراز: پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی دکتر غلام حسین مهدوی- دانشگاه شیراز.

- Accounting and Economics, 31,105-231.
- 25) Lasall, e., Anandara, J., & Miller, F. (1996). going concern uncertainties: disclaimer of opinion versus unqualified opinion with modified working, auditing. journal of practice and theory, 15, 29-48.
 - 26) Laurel, F., & Suresh, R. (2009). The value relevance of R&D across profit and loss firms. J. Account. Public Policy, 16-32.
 - 27) Lopes, A. (2001). The Value Relevance of Accounting Numbers: An Empirical Investigation. University of Sao Paulo, Department of Accounting, 1.
 - 28) Mutchler, F. (a journal of practice and theory). empirical evidence regarding the auditors going-concern opinion decision, auditing (Vol. 6).
 - 29) Ohlson, J. (1995). Earnings, book values and dividends in security valuation. Contemporary Accounting Research, 661-687.
 - 30) Penman, S. H. (2005). Discussion of "on Accounting Based Valuation Formulae and Expected EPS and EPS Growth as Determinants of Value. Review of Accounting Studies, 367-378.
 - 31) Raffournier, B., & Filip, A. (2010). The value relevance of earnings in a transition. The International Journal of Accounting, 77-103.
 - 32) Spathis, D., & Zopounidis. (2003). using client performance measures to identify pre-engagement factors associated with qualified audit report in Greece. the international journal of accounting, 38, 267-284.
 - 33) Yang, Y.-w. (2008). the value relevance of nonfinancial information: the biotechnology industry. pp. 287-314.